

عنوان: روشنگری جریان ساز

موضوع: نصرت امام جامعه

مخاطب: طلاب، دانشجویان و فعالین فرهنگی (انقلابی)

مناسبت: انتخابات

استعمال توتون و تنباکو از زمان شاه عباس، در ایران رواج زیادی پیدا کرد. تا اینکه در زمان ناصرالدین شاه به چند میلیون نفر رسید. به همین دلیل یکی از وزیران شاه به فکر انحصار آن افتاد تا برای افزایش مالیات، آن را در اختیار و کنترل دولت قرار دهد. قانون پیشنهادی خود را به نام اداره انحصاری توتون و تنباکو، ارائه داد که مورد تصویب ناصرالدین شاه قرار نگرفت.

سرانجام دوباره خواست این قانون را وضع کند؛ اما به علت مخالفت علما که این عمل را غیرشرعی می دانستند، اجرایی نشد.

ناصرالدین شاه تصمیم گرفت به بهانه بازدید از پیشرفت کشورهای اروپایی عازم اروپا شود.

در این سفر، انگلیسی ها پیشنهادهای زیادی به شاه ایران دادند که از جمله آن ها امتیاز توتون و تنباکوی ایران بود.

فرستاده انگلیس با پیشنهاد رشوه به شاه و صدراعظم موافقت آنها را جلب کرد و ناصرالدین شاه هم قبول کرد و خریدوفروش کل توتون و تنباکوی ایران در داخل و خارج به مدت ۵۰ سال از تاریخ ۱۲۶۹ به فرستنده انگلیس واگذار شد و اعطای چنین امتیازی به یک فرد بیگانه خسارت های جبران ناپذیری به دولت و ملت ایران وارد می کرد؛ زیرا به موجب این امتیاز هیچ کس حق خریدوفروش توتون و تنباکو و سیگار در ایران را نداشت مگر با اجازه صاحب شرکت.

در صورتی که حدود یک پنجم جمعیت ایران مخارج زندگی خود را از راه کشت و زرع توتون و تنباکو تأمین می کردند.

پس از احداث ساختمان مرکزی شرکت در تهران و آغاز فعالیت آن در ایران، چند هزار نفر از مردان و زنان انگلیسی به عنوان کارکنان شرکت وارد ایران شدند؛ به طوری که در هر شهر تعداد زیادی از افراد بیگانه اقامت داشتند. این افراد که تحت پوشش شرکت وارد ایران شده بودند، شروع به فعالیت های فرهنگی کرده و فرهنگ غرب را در ایران رواج می دادند. نفوذ در بازار مسلمانان، استفاده از دختران برای افزایش فروش، تأسیس رقص خانه و قمارخانه، فروش و مصرف مشروبات الکلی و... از جمله موارد اشاعه فرهنگ غربی در ایران به وسیله کارکنان این شرکت بود که زمینه های نهضت را بیش از پیش آماده کرد.

سال ۱۲۷۰ میرزای شیرازی <sup>۱</sup>رحمه الله علیه در شهر سامرا حکمی صادر کردند که همه شیعیان در اقصی نقاط دنیا به آن حکم عمل کردند. ایشان در یک خط نوشتند:

### بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان <sup>عجل الله تعالی فرجه الشریف</sup> است. ۲

صدور این فتوا، غوغایی به پا کرد و قیام مردم در سراسر ایران گسترش یافت. بعد از صدور این فتوا، علاوه بر این که هیچ کس توتون و تنباکو را در مخفی ترین محل استعمال نمی کرد، بلکه قلیان ها و چندین بادگیر طلا و نقره از سوی صاحبانشان شکسته شد.

حتی ناصرالدین شاه روزی در حرم سرای خود دید زن هایش به کنیزان خود امر می کردند قلیان را در هاون نهاده و بشکنند!

ناصرالدین شاه گفت: «شما را چه می شود که این طور می کنید؟» یکی از زن ها گفت: «آن کس که ما را به تو حلال کرده، قلیان را به ما حرام کرده!»

و این قدر جامعه به خروش افتاد و مردم را به صحنه کشاند که ناصرالدین شاه قاجار مجبور به فسخ قرارداد تنباکو شد.

در یک جامعه همه نسبت به هم وظایف و حقوقی دارند:

یکی از وظایف و حقوق علمای دین در قبال مردم جامعه این است که در مسائل مهم فقهی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، دیدگاه و موضع خود را بیان نمایند.

موضع و دیدگاه علما چراغ و نوری است برای پیدا کردن راه. اگر در جامعه مردم در پیچ و خم اتفاقات راه را گم کردند این وظیفه علماست که راه را به مردم نشان دهند.

در رابطه با فتوای توتون و تنباکو؛ میرزای شیرازی دیدند الان باید راه را به مردم نشان دهد، و آن فتوا را صادر کردند و نتیجه آن شد که همه مردم راه را پیدا کردند. علمای بزرگ شیعه هیچ وقت در مسائل مهم نظیر مسائل فقهی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی ... سکوت نمی کردند. بلکه همیشه در تریبون هایی که داشتند در مورد این مسائل صحبت می کردند. مثل عالم برجسته سید محمد مجاهد طباطبایی مشهور به سید مجاهد که فتوای ایشان در جهاد با روس معروف است.

حتی وقتی ولی و رهبر جامعه شیعه حرفی می زدند دیگر علما برای عمل به آن حرف بین مردم می رفتند و مردم

<sup>۱</sup> پس از فوت شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۲۴۳، مرجعیت عامه شیعه به او منتقل شد و نزدیک به ۳۰ سال در این مقام به رفع مشکلات مردم و اداره حوزه های علمیه مشغول بود.

<sup>۲</sup> تاریخ الدخانیه، ص ۱۱۸

را بیشتر راهنمایی می کردند و نگذاشتند حرف رهبر جامعه زمین بماند. مثل شیخ فضل الله نوری، محمدتقی رازی آقا نجفی اصفهانی، سید علی اکبر فال اسیری، میرزا جواد مجتهد تبریزی که از شاگردان میرزای شیرازی بودند، و بعد از حکم تحریم تنباکو سکوت نکردند و ولی و رهبر زمان را یاری کردند.

الآن نیز مردم مثل گذشته از علما انتظار دارند که در همه عرصه های مهم خصوصاً در عرصه سیاست هیچ وقت سکوت نکنند. نشود مثل فتنه ۸۸ که یک عده سکوت کردند و کار برای خیلی از مردم سخت شد.

در زمان های گذشته همیشه شاهد این بودیم که مردم دائم فرمان بردار مراجع و علما بودند و در اصل، این مسئله باعث می شد که حکم هایی مثل تحریم تنباکو و... به عمل بینجامد. البته دشمن هم همیشه در صدد این بوده که دیگر این اتفاقات نیافته و مردم را از علما جدا کند که اگر علما سکوت کنند و مردم حامی و پشت علما نباشند متأسفانه دشمن به خواسته خود می رسد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می فرماید: **مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ**؛ کسی که به هنگام یاری ولی (رهبر) خود، بخوابد یا لگد دشمن از خواب بیدار خواهد شد.

عرصه انتخابات یکی از عرصه هایی است که اگر رهبر و ولی جامعه را یاری نکنیم زیر لگد دشمن از خواب بیدار خواهیم شد. اگر در این عرصه ها ولی جامعه را یاری نکنیم، رهبر مهجور می شود. و دشمن بر روی این مسئله سرمایه گذاری کرده، و تمام سعی و تلاش خود را می کند تا ولی جامعه تنها و مهجور شود.

ما باید به شهدا اقتدا کنیم. باید به شهید عزیز حاج قاسم سلیمانی اقتدا کنیم و به دشمنانمان بفهمانیم که اگر از سرهایمان کوه بسازند هرگز فرزندانمان در تاریخ نخواهند خواند که خامنه ای تنها ماند. و اقتدا به شهدا، بدون تلاش نمی شود بلکه باید حرکت کرد. ما باید دوستان و آشنایان خودمان را دعوت کنیم به یاری ولی جامعه.

باید در انتخابات رهبر را حمایت کنیم و نگذاریم حرف رهبری زمین بماند. انتخابات آزمونی است تا بدانیم که: آیا حامی رهبرمان هستیم یا خیر!!! آیا زمین نماندن حرف رهبرمان برایمان مهم است یا خیر!!! هدف انقلاب و رهبر انقلاب، مشارکت حداکثری مردمی در شئون مختلف جامعه و حاکمیت بوده است و ما باید با تمام توان در راستای تحقق این هدف بکوشیم و باید در این مدت باقی مانده تا انتخابات از طرق مختلف از جمله حضوری،

تلفنی، پیامکی و فضای مجازی، سراغ آن دسته از دوستان، آشنایان و اعضای فامیل برویم که هنوز برای شرکت در انتخابات مردد هستند، و آنان را قانع کنیم تا پای صندوق رأی بیایند. چه بخواهند به لیست مورد نظر ما رأی بدهند و چه به لیست رقیب ما.

**التماس دعای شهادت**